نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی
دوره ۱۸، پاییز ۱۴۰۰، شماره ۶۶
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۵۲ ـ ۲۹

Scientific Journal
ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
Vol. 18, Autumn 2021, No. 66
Scientific Research Article

جریان‌شناسی تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن کریم در انقلاب اسلامی

علیرضا دانشیار* / ولی‌الله نقی‌پورفر**
نجف لکزایی*** / حسین ارجینی****

چکیده

موضوع این پژوهش، جریان‌شناسی تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن کریم در انقلاب اسلامی است که با هدف صورت‌بندی، شناسایی و آشنایی روشمند با تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآنِ جریان‌های دخیل و تأثیرگذار در انقلاب اسلامی صورت گرفته است. در این پژوهش، از روش قرائت متن و زمینه برای تحلیل جریان‌ها استفاده‌شده است. در یک دسته‌بندی کلی نگرش‌ها و رهیافت‌ها نسبت به تفسیر سیاسی قرآن به چهار دسته دیدگاه حداکثری جریان اجتهادی اصولی، رویکردهای روایت‌گرا، رویکرد قرآن بسنده و رویکردهای تجددگرای حداقلی متأثر از فلسفه و معرفت‌شناسی غربی تقسیم‌شده است. اکثر جریان‌های سیاسی دخیل در انقلاب اسلامی به قرآن، به‌عنوان یک متن «تفسیرپذیر» که می‌تواند در جامعه و سیاست اثرگذار باشد، نگاه کرده‌اند. تفسیر سیاسی قرآن نشان می‌دهد که ظرفیت ذاتی تولید نظریه‌های سیاسی در دل مباحث قرآنی وجود دارد که می‌تواند جهت‌گیری‌های عرصه‌های نظری، رفتاری و کاربردی را در علوم انسانی تغییر دهد

واژگان کلیدی

جریان‌شناسی، تفسیر سیاسی قرآن، انقلاب اسلامی، اجتهادی ـ اصولی، قرآن بسنده، تجددگرا.

---

*. دانش‌آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم و پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله، قم. (نویسنده مسئول) daneshyaralireza@yahoo.com
**. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه قم، قم. v-naghipoor@qom.ac.ir
***. استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم. nlakzaee@gmail.com
****. دانشیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم. hahmdy623@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

مقدمه

تفسیر سیاسی قرآن در انقلاب اسلامی تأثیرگذار بوده است؛ چراکه همواره قرآن به‌عنوان سرمشق و مبین نوع زندگی سیاسی، در الگودهی به جریان‌های مبارز در قبل و بعد از انقلاب مطرح بوده است. رجوع به قرآن در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی و نیز بهره‌گیری از قرآن به‌عنوان سند قطعی سازنده و اصلاح‌کننده جامعه و سیاست، همواره از دغدغه‌های مهم اندیشمندان مسلمان به‌ویژه در دوره معاصر بوده است. از نظر تاریخی جریان‌های معاصر با توجه به مواجهه با پدیده‌های سیاسی ـ اجتماعی داخلی (نظیر استبداد) و پدیده‌های سیاسی ـ اجتماعی خارجی (نظیر تجدد غربی و سلطه خارجی) تلاش داشتند که هرکدام برای برون‌رفت از معضلات پیش‌رو، به ارائه راه‌حل بپردازند و این تلاش‌ها بیشتر در قالب‌های سیاسی ـ اجتماعی بروز کرد. تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از مفاهیم قرآنی، بر عملکرد جریان‌های سیاسی در طول انقلاب اسلامی تأثیرگذار بوده است. بعد اصلی تفسیر سیاسی قرآن با توجه به شاخص‌های انقلاب اسلامی، نظیر دینی بودن، مردمی بودن و نفی مظاهر سیاسی و فرهنگی غرب و شرق، شکل‌گرفته است. از این‌رو باید به احصاء و صورت‌بندی و تحلیل و تبیین تفسیرهای خاصی که از رویکرد قرآنی نشئت گرفته است، مبادرت نمود. در رابطه با پیشینه تحقیق باید گفت که در زمینه تفسیر سیاسی قرآن آثار متعددی وجود دارد اما با رویکرد جریان‌شناسی، تنها یک پژوهش با عنوان: «تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر» (خان‌محمدی، ۱۳۹۲) انجام پذیرفته است. رویکرد اصلی این پژوهش، جریان‌ها و شخصیت‌های قبل از انقلاب به‌ویژه بررسی تفسیر سیاسی شخصیت‌محور نظیر خرقانی، شریعت سنگلجی و آیت‌الله طالقانی بوده و جریان‌های عمده تفسیری بعد از انقلاب اسلامی در کتاب پیش‌گفته، مورد بررسی قرار نگرفته است. نوشته‌های پراکنده دیگری نیز در زمینه تفسیر سیاسی قرآن در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه وجود دارند که رویکرد جریان‌شناسی ندارند بلکه بیشتر ناظر به خود ماهیت تفسیر سیاسی قرآن و یا در خصوص یک شخصیت بحث کرده‌اند. کتاب‌هایی نظیر «تفسیر سیاسی مفاهیم قرآنی از دیدگاه امام خمینی» (دانشیار، ۱۳۹۷)، «تفسیر سیاسی قرآن (فقه سیاسی)» (میرزاخانی، ۱۳۹۴) و کتاب «مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن» (حسنی، ۱۳۹۲) ازجمله آنان است. همچنین مقالاتی نظیر: «امکان تفسیر سیاسی قرآن کریم» (عابدی، ۱۳۹۹)، «تفسیر سیاسی قرآن کریم: ملاحظات روش‌شناختی» (پزشگی، ۱۳۹۴)، «گرایش تفسیر سیاسی قرآن» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۸)، «بررسی تفسیر سیاسی واژه‌ها و مفاهیم قرآنی در انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی» (کلانتری، دانشیار، ۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های تفسیر سیاسی قرآن» (پاکروان، ۱۳۹۸) و «نقد و ارزیابی تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر» (جلیلی، قدمی، ۱۳۹۵) و پایان‌نامه «گرایش تفسیر سیاسی در آثار امام خمینی‌قدس‌سره»

(نقوی، ۱۳۹۴) از جمله مواردی هستند که بیشتر ناظر بر ماهیت تفسیر سیاسی قرآن (چیستی، امکان و وقوع آن) و یا در قالب بررسی یک شخصیت بحث کرده و رویکرد جریان‌شناسی نداشته‌اند.

سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: جریان‌شناسی (گونه‌شناسی) تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن کریم در انقلاب اسلامی چیست؟ مهم‌ترین جریان‌های تفسیر و برداشت‌های سیاسی در طول انقلاب اسلامی، از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی و در چهار گروه عمده تقسیم‌بندی می‌شوند: یک. رویکرد جریان نقل‌گرا؛ دو. تفسیر سیاسی جریان قرآن بسنده: سه. تفسیر سیاسی جریان اجتهادی ـ اصولی؛ چهار. تفسیر و برداشت‌های سیاسی جریان تجددگرا. تفسیر سیاسی رویکردهای پیش‌گفته، دارای چهار نگاه حداکثری اجتهادی اصولی، نگاه نقل‌محور منحصر در روایات، رویکرد منحصر و بسنده‌کننده به قرآن و رویکرد حداقلی در تفسیر سیاسی قرآن هستند. در نگاه تفسیر سیاسی حداکثری، دین و قرآن پاسخ‌گوی تمام نیازهای اجتماعی و سیاسی هستند. در نگاه و تفسیر حداقلی، سایر مؤلفه‌های برخاسته از جهان تجدد (حقوق بشر، آزادی و ...) تفسیر سیاسی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. در نگاه قرآن بسنده، ملاک و معیار تفسیر سیاسی فقط قرآن است ولاغیر و در برخی رویکردهای نقل‌محور تفسیر سیاسی قرآن وجود دارد و در روایت افراطی روایت بسنده، تفسیر سیاسی قرآن نفی‌شده و منوط به حضور معصوم و تفسیر اوست. تفسیر و برداشت‌های سیاسی هرکدام از جریان‌های پیشگفته به چند عامل بستگی دارد: یک. میزان معتبر دانستن ادله چهارگانه (کتاب، سنت، اجماع و عقل)؛ دو. نقش سایر مؤلفه‌های فکری دخیل در فهم و استنباط؛ سه. شرایط سیاسی ـ اجتماعی و پدید آمدن مسائل جدید «گفتمان زمانه» که در این پژوهش، با توجه به صورت‌بندی صورت‌گرفته، تفسیر سیاسی قرآن در جریان‌های پیشگفته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفاهیم

۱. مفهوم جریان

واژه «جریان» در زبان فارسی، از نظر لغوی، به معناهای روان شدن، وقوع یافتن امری، روانی، دست‌به‌دست شدن و گردش مالی آمده است. (معین، ۱۳۸۶: ۳۶۴) در اصطلاح، «جریان» به «تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار است» تعریف می‌شود. (خسروپناه، ۱۳۸۹ ب: ۹) جریان دارای چهار مؤلفه اساسی است: یک. شکل‌گیری در بستر اجتماعی و واقعیت‌های آن؛ دو. خصلت تاریخی و نقطه شروع داشتن (مهاجرنیا، ۱۳۹۵: ۲۲)؛ سه. دارای مبانی اندیشه‌ای بودن؛ چهار. دارای خصلت رفتاری بودن (آثار اجتماعی داشتن). همچنین هر

جریان از لحاظ منابع انسانی به سه گروه متکی است: الف) نظریه‌پردازان؛ ب) شارحان؛ ج) عناصر توزیع‌کننده؛ البته ممکن است که یکی از این منابع به بسط یک جریان بپردازد. (فراتی، ۱۳۹۵: ۶۰) به‌عبارت‌دیگر، جریان‌شناسی، شناخت فرایند شکل‌گیری یک اندیشه به همراه بررسی مبانی فکری، اعتقادی و دیدگاه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دسته‌ای از احزاب، گروه‌ها و جناح‌های سیاسی است که دارای همسویی در مواضع، رویکردها و گفتمان‌ها باشند. (مهاجرنیا، ۱۳۹۵: ۲۳) می‌توان گفت که جریان‌ها نیز شدت و ضعف دارند. برخی از شخصیت‌ها و گروه‌ها جریانات قوی و پایدار به وجود می‌آورند و برخی جریان‌ها از شدتشان کاسته می‌شود و حالت جریان‌گونگی خود را از دست می‌دهند و برخی دیگر، حالت جریان بودن خودشان را حفظ می‌کنند. جریان‌شناسی تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن، به شناسایی امواجی فکری ـ سیاسی گویند که از مفاهیم و آیات قرآنی الهام گرفته و منشأ نظر و عمل سیاسی گشته و در جامعه حرکت و تغییر ایجاد کرده است. ازاین‌رو، هم مطالعه محتوا و متن، و هم فهم تمایزها در ابعاد حیات اجتماعی را در نظر دارد. به این معنا که زمینه‌های فکری، اجتماعی و فرهنگی پدیده‌های سیاسی، در نحوه به‌کارگیری نص قطعی (قرآن) تأثیرگذار بوده است.

۲. تفسیر سیاسی قرآن

دو مفهوم «تفسیر» و «سیاست» در تعریف تفسیر سیاسی مهم است. تعریف‌های گوناگونی از واژه تفسیر صورت گرفته است. به‌عنوان مثال زدودن ابهام از لفظ (معرفت، ۱۳۷۹: ۱۷)، بیان مفاد استعمالی آیات و کشف مراد خداوند (رجبی، ۱۳۸۳: ۱۲)، کشف مقصود و مدلول آیات (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۲) و تحلیل مبادی و رسیدن به مقصود متکلم و مدلول بسیط و مرکب لفظ (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۵۲) ازجمله معانی تفسیر ذکرشده است. تفسیر قرآن، نوعی تلاش علمی روشمند می‌باشد که هدف آن شناخت معانی قرآن و به‌دست آوردن مقصود خداوند است. تفسیر هر متنی، براساس سه عنصر اصلی «گوینده» (قصد او) «متن» و «فهمنده» در پرتو یک راهبرد صحیح و چارچوب منطقی امکان‌پذیر است. (اسعدی، ۱۳۹۲: ۱۰) در مورد تعریف سیاست نیز تعاریف مختلفی ارائه شده است، ازجمله: «شکل‌ها، جهت و چگونگی اعمال قدرت» (ابوالحمد، بی‌تا: ۲۹)، علم دولت و تئوری‌ها، سازمان‌ها، حکومت و اعمال دولت (همان: ۲۳)، شکل گرفتن قدرت و سهیم شدن در آن (دال، ۱۳۶۴: ۸ ـ ۷)، توزیع آمرانه ارزش‌ها در جامعه (عالم، ۱۳۷۳: ۲۹) و ... و به نظر می‌رسد که تعریف مفهوم سیاست بستگی تام و تمامی به جهان‌بینی، ایدئولوژی و یا نگرش عمومی، اخلاقی و اعتقادی افراد دارد. (عضدانلو، ۱۳۸۹: ۲۳ ـ ۲۲) با توجه به تعریف «تفسیر» و «سیاست»، تفسیر سیاسی قرآن، پی‌بردن به غرض‌ها و مقصودهای قرآنی و مراجعه به آیات قرآنی برای تبیین مفاهیم اساسی، ساختار و کارکردهای نظام سیاسی و حل معضلات سیاسی ـ

اجتماعی است که از سایر جنبه‌های تربیتی، اقتصادی، حقوقی، عرفانی و... تفکیک می‌شود. (حسنی، ۱۳۹۲: ۳۹) هدف از تفسیر سیاسی قرآن، کشف سیاست اصیل قرآنی از خود آیات و روایات معتبر است که برای وصول به حیات طیبه، در قرآن و روایات به آن تصریح شده و همه ابعاد زندگی بشر ـ اعم از فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ـ را در برمی‌گیرد. تفسیر سیاسی قرآن نیازمند پیش‌زمینه‌هایی است که عبارتند از:

یک. برخورداری از روش تفسیری؛ روش تفسیری، شیوه منظمی است که مفسر برای تبیین و کشف معانی کتاب الهی مطابق با افکار صحیح، آن را طی می‌کند. در روش تفسیری، مفسر با به‌کارگیری و استفاده از منابع و مستندات به تفسیر قرآن می‌پردازد. (مؤدب، ۱۳۸۵: ۱۶۷) این روش همواره در متن حرکت فکری و تلاش‌های علمی یک دانشمند قرار دارد و البته با روش‌شناسی فرق دارد. (پارسانیا، ۱۳۸۳: ۱۴) مفسران از روش‌های گوناگونی بهره برده‌اند. می‌توان گفت بین روش و گرایش تفسیری فرق وجود دارد. روش تفسیری، امری فراگیر است که از منابع و مستندات به دست می‌آید و مفسر در همه آیات قرآن به کار می‌برد و اختلاف در آن باعث اختلاف در کل تفسیر می‌شود. در زمینه منابع و مصادر، موارد زیادی مطرح‌شده ازجمله: لغت، روایت‌های تفسیری، علوم قرآنی، مراجعه به علوم و کشفیات جدید، مراجعه به عقل و منابع دیگر و از سویی، منابع و مستندات قابل‌اتکا در نظر مفسران، از سنت (روایت)، عقل، کشف و شهود و ... تشکیل شده است که میزان اعتبار هرکدام از آنها در میان مفسران متمایز است. (شاکر، ۱۳۸۹: ۴۶ ـ ۴۵) از این نظر، اختلاف در منابع تفسیری، در تفسیر همه آیه‌ها و سوره‌ها تأثیرگذار است. این تمایز و فرق‌ها، مناهج یا روش‌های تفسیری نامیده می‌شوند، تقسیم‌بندی تفاسیر به مأثور، قرآن به قرآن، شهودی (اشراقی) ظاهری، باطنی، عقلی و اجتهادی در این چارچوب قابل‌بررسی است. (همان: ۴۷) بر این اساس می‌توان روش‌های تفسیری را به چهار روش عمده تقسیم نمود: منهج یا روش قرآنی (تفسیر قرآن به قرآن)، منهج یا روش روایی (تفسیر قرآن به روایات)، منهج یا روش عقلی؛ منهج یا روش اجتهادی (جامع) (علوی مهر۱۳۸۱: ۶۳ ـ ۶۲). باید دقت نمود که «تفسیر سیاسی» با توجه به نوع روش به‌کاررفته اتفاق می‌افتد.

دو. تأثیرگذاری گرایش تفسیری؛ «گرایش» در عربی، معادل «اتجاه» است و در اصطلاح به معنای خصایص فکری، تمایلات نفسانی و آمادگی‌ها، پیش‌فرض‌ها و تراوش‌های فکری است که باعث می‌شود تا تفاسیر قرآن از یکدیگر متمایز گردند. (هدی، ۱۳۷۲: ۲۳) این گرایش‌ها به صورت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، تربیتی، کلامی، اخلاقی و ... بر تفسیر قرآن تأثیر می‌گذارند. (شاکر، ۱۳۸۹: ۴۹ ـ ۴۸) مهم‌ترین علت مهم به وجود آورنده گرایش‌های مختلف تفسیری، جهت‌گیری‌های عصری مفسران است

که معلول علل چندگانه است که عبارتند از:

۱. نقش روحیات و ذوقیات مفسر در تفسیر.

۳. دغدغه‌های مفسر نسبت به جامعه و محیط پیرامون. (همان)

۳. تأثیر عنصر زمان و گفتمان‌های زمانه، و نقش تحولات سیاسی ـ اجتماعی در نحوه فهم و تفسیر قرآن. (همان: ۶۸)

۴. آشنایی کافی با برخی از شاخه‌های علم و دانش. (شاکر: ۲۱۷ ـ ۲۱۵)

با توجه به مطالب پیش‌گفته، منظور از تفسیر سیاسی قرآن، کشف و ظهور استقلالی از خود آیات و مفاهیم قرآنی است در حالی که سایر علوم به این کشف کمک می‌کنند نه اینکه چیزی بر قرآن تحمیل نمایند.

۳. روش تحلیل جریان‌ها

دو متدولوژی رایج و مهم در تحلیل متن مورد استفاده قرار می‌گیرد:

یک. متدولوژی قرائت زمینه‌ای؛[1] «چارچوب»[2] یا «زمینه»[3] را تعیین‌کننده معنای متن می‌داند و فهم معنای هر متن را به فهم زمینه‌های فکری، دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن منوط می‌سازد. (Tully, 1988: 58)

دو. متدولوژی قرائت متنی؛[4] بر «خودمختاری ذاتی متن»[5] تأکید دارد و به خود متن به‌عنوان اصل و عنصر خودکفا و مستقل نگاه می‌کند. (Ibid: 29) در این پژوهش، از ترکیب دو روش قرائت متن و قرائت زمینه برای تحلیل جریان‌ها استفاده شده است. در بررسی تفسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن کریم، با توجه به تلفیق روش پیش‌گفته، در بررسی جریان‌های فکری سه موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است:

۱. نقش متن معتبر قرآن در جهت‌دهی به جریان‌های فکری و سیاسی.

۲. نقش زمینه و شرایط اجتماعی و سیاسی در بروز و ظهور تفسیر سیاسی به قرآن.

۳. ویژگی‌های فکری و چگونگی نگرش سیاسی هر جریان، به قرآن.

با توجه به سه ویژگی روشی پیش‌گفته، تفسیر و برداشت‌های سیاسی قرآن از سوی جریان‌های مختلف در انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد.

---

1. Methodology of Contextual Reading.
2. Framework.
3. Context.
4. Methodology of Textual Reading.
5. Autonomy of The Text Itself.

گونه‌شناسی جریان‌ها و گروه‌های فکری در نحوه تفسیر و برداشت سیاسی از قرآن کریم در انقلاب اسلامی

در نحوه تفسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن کریم با توجه به زمینه‌ها، مبانی و ویژگی‌های فکری در طول انقلاب اسلامی، میان رویکردهای مختلف نسبت به قرآن، اختلاف دیدگاه وجود دارد. به لحاظ گستردگی جریان‌ها در این پژوهش، چهار جریان فکری (اجتهادی اصولی، نقل محور، قرآن بسنده و تجددگرا) در تفسیر و برداشت سیاسی از قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تفسیر سیاسی جریان اجتهادی اصولی از قرآن کریم

از تفاسیر سیاسی ـ اجتماعی دوره معاصر، می‌توان تفاسیر سیاسی اجتماعی جریان اجتهادی ـ اصولی را نام برد. این جریان با ویژگی‌ها، مبانی و شاخص‌هایی در انقلاب اسلامی تأثیرگذار بوده است. در جریان اجتهادی ـ اصولی، «اجتهاد» چارچوبی قاعده‌مند برای طرح و عرضه پرسش‌ها و مسائل برآمده از نیازهای تاریخی انسان مسلمان نسبت به نصوص دینی و «بذل جهد» و تلاش برای کشف حقیقت احکام شرعی براساس نیازهای زمانه است که براساس درایت و عقل صورت می‌گیرد. (معرفت، ۱۳۷۹: ۲۲۴) به‌طورکلی ویژگی‌های جریان اجتهادی اصولی عبارتند از: یک. تأثیر عنصر «اجتهاد» و «فقه» در نگرش اجتماعی سیاسی به قرآن (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۱ / ۲۹۰ ـ ۲۸۹) اجتهاد در گرو عدم مخالفت با نصوص دینی است. (طباطبایی فر، ۱۳۹۴: ۸۸) دو. عقل‌گرایی در نگرش سیاسی به‌عنوان منبع مهم فهم دینی شناخته می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۹۲، همو ۱۳۷۷: ۲۱ / ۲۲۲، طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۱۷ ـ ۴۱۵) سه. حجیت و اعتبار داشتن ظن. (طباطبایی، ۱۳۷۱: ج ۱۰ / ۳۵۱) چهار. بازنگری و تقویت مباحث اجتماعی و توجه به نقش زمان و مکان در اجتهاد. پنج. تأثیر ویژگی‌های صدوری و دلالی قرآن، (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۲۷، همو، ۱۳۷۷: ۱۷ / ۴۳۲ ـ ۴۳۱، همو، بی‌تا: ۳۱۰) پنج. تأثیرگذاری مباحث حکمی عرفانی. (ر. ک: همو، بی‌تا: ۳۰۴؛ طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۴۵) در کنار ویژگی‌های پیش‌گفته، مختصات فکری بارزی در اندیشمندان شاخص جریان اجتهادی اصولی مثل امام خمینی دیده می‌شود، نظیر دیدگاه انقلابی و اعتراضی نسبت به وضعیت ذهنی، علمی و عملی مسلط بر جهان، نپذیرفتن وضع موجود نظام‌های سلطه حاکم بر دنیا، عدم محافظه‌کاری در برخورد با ستمگران، (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳ / ۳۳۹؛ همو، ۱۳۹۴: ۳۵)، تأکید بر آمیختگی و پیوند میان دین و سیاست (امام خمینی۱۳۷۷: ۳ / ۳۳۹) و تأکید بر ابعاد اجتماعی و سیاسی احکام و قوانین قرآنی (همو ۱۳۹۴: ۱۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۵: ۹۶) که بر تفسیر سیاسی قرآن تأثیرگذار بوده است.

در ارتباط با تفسیر سیاسی حکومت و نظام سیاسی از قرآن کریم، بخش قابل ملاحظه‌ای از

دیدگاه‌های اندیشمندان جریان اجتهادی اصولی و به‌ویژه امام خمینی در زمینه مفاهیمی نظیر سیاست، حکومت و نظام سیاسی، به بیان تفاوت دیدگاه‌های اندیشه‌ای در زمینه سیاست اختصاص دارد که با سبقه‌ای قرآنی پشتیبانی شده است. از منظر امام خمینی، سیاست برای انبیاء و اولیای الهی به‌عنوان «حق» شناخته می‌شود و هر دو ابعاد مادی و معنوی در معنای سیاست باید لحاظ شود. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۳ / ۴۳۱) در این رویکرد، ولایت و سرپرستی نظام سیاسی در اختیار فقیه جامع‌الشرایط (ولی‌فقیه) قرار می‌گیرد. از نظر امام خمینی، نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، برگرفته از آیات قرآنی و قانون اسلام است:

> حکومت ما جمهوری اسلامی است که متکی بر آیات قرآنی است و قانونش، قانون اسلام است ... . (همو ۱۳۷۷: ۵ / ۲۲۳)

نظام اسلامی با تعابیر مختلفی نظیر «حکومت عدل اسلامی»، «حکومت انسانی»، «حکومت قرآنی» مطرح شده است. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۸ / ۲۱۸) حکومت اسلام، حکومت قانون است. در نظام اسلامی، حاکمیت و قانون منحصر به خداست و همه (افراد و دولت اسلامی) باید تابع قانون اسلام و فرمان خداوند باشند. (همو، ۱۳۹۴: ۴۲) حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است و فقط قانون خداوند بر جامعه حکم‌فرمایی دارد و همه (رئیس و مرئوس) باید از آن پیروی و تبعیت کنند:

> تبعیت از رسول اکرمﷺ هم به حکم خدا است که می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (النساء / ۵۹) پیروی از متصدیان حکومت یا «اولوا الأمر» نیز به حکم الهی است. (همو ۱۳۹۴: ۴۵ ـ ۴۴)

برای این موضوع، به دو دلیل عمده و اصلی استدلال شده است:

یک. احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد و قرآن و سنت، شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد. (همان: ۳۰ ـ ۲۹)

دو. اجرای احکام شرع و عمل به آنها، مستلزم تشکیل حکومت است. (همان: ۳۰)

حکومت مطلوب و قرآنی در نظر علامه طباطبایی نیز مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع به‌طور مفصلی در تفسیر آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران و نیز در تفسیر آیه ۲۶ سوره آل‌عمران، در کتاب ***تفسیر المیزان*** مطرح شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۴ / ۹۱؛ همو، ۱۳۹۰ ق: ۳ / ۱۴۴) در نظر علامه، حکومت اسلامی، اجتماعی دینی است. («حکومه اجتماعیه دینیه» (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۹ / ۲۶۴؛ همو، ۱۳۸۸: ۹۷ ـ ۹۶)

در نظر علامه طباطبایی، «حکومت اجتماعی دینی»، موظف به اجرای احکام اسلام و برپایی دین و قوانین دینی است (یزدانی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۷۳) و انتخاب حاکم از سوی مسلمانان و براساس کتاب و سنت صورت می‌گیرد. حکومت نیز از آن رو که برای اجتماع است، نیازمند شور با مسلمین و اجتماع اسلامی است. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۲۲)

شهید مطهری نیز مسئله «حکومت و رهبری» در اسلام را به‌صورت مبسوطی مورد بررسی قرار داده است. مطهری، «قدرت مدیریت» را نوعی رشد می‌شمارد که در اصطلاح اسلامی «هدایت» و «امامت» نامیده می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۷: ۳۱۹ ـ ۳۱۸) از نظر او، قرآن کریم بر اصل رهبری و امامت، بسیار تکیه کرده و در معارف شیعه این اصل قرآنی جای شایسته خود را دارد. (همان: ۳۱۹) مطهری با استدلال به آیه ۱۲۴ سوره بقره، امامت و رهبری انسان‌ها را در دو بعد معنوی ـ الهی و اجتماعی، برجسته کرده و امامت را عالی‌ترین مقام و پستی می‌داند که از طرف خدا به یک انسان واگذار شده است. درحالی‌که در دنیای مدرن، تنها به جنبه اجتماعی رهبری و مدیریت توجه می‌شود. (همان: ۳۲۱ ـ ۳۲۰) با توجه به مطالب پیش‌گفته، در رویکرد حداکثری اجتهادی اصولی، تفسیر سیاسی قرآن، با لحاظ اینکه دین پاسخ‌گوی تمامی نیازهای مربوط به حوزه زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی است، شکل گرفته است.

۲. رویکرد روایت‌محور در تفسیر سیاسی قرآن

از رویکردهایی که در آن، از برخی شخصیت‌ها، تفسیر سیاسی اجتماعی دیده می‌شود، جریان روایت‌گرای «مکتب تفکیک» است. مکتب تفکیک، یک «مکتب» کلامی است که طرحی اعتقادی و نظری را در حوزه عمومی ارائه می‌دهد. (حکیمی، ۱۳۸۲ ب: ۴۵۶ ـ ۴۵۵) در جریان نهضت امام خمینی، افراد شاخصی نظیر «محمدرضا حکیمی» آثار بسیاری در زمینه تبیین انقلاب اسلامی و به‌خصوص وجوه جهانی آن نگاشتند. (مسعودی، ۱۳۸۷: ۵۲، تقوی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۷) تفسیر سیاسی حکیمی، از آیات قرآن، با تلفیقی از روایات و نوع تبیین خاصی از «عقل‌مداری» (باویژگی‌های تفکیک)، تلفیق شده است. حکیمی معتقد است که برای فهمیدن درست و کامل دین آسمانی اسلام، تنها دو منبع (قرآن و احادیث) موجود است که از هم جدا نمی‌شوند. (حکیمی، ۱۳۸۲ الف: ۳۵۴) قرآن، کامل‌ترین برنامه زندگی انسانی است که «جامعه یگانه انسانی ـ قرآنی» می‌سازد. (همان: ۳۵۵ ـ ۳۵۴) تفسیر سیاسی ـ اجتماعی حکیمی از قرآن که از روایات کمک‌گیری شده، شامل ویژگی‌هایی است که عبارتند از:

یک. تفسیر سیاسی مرتبط با بعد انقلابی قرآن کریم که نگاه مثبت حکیمی به پدیده انقلاب و تغییر سیاسی را نشان می‌دهد و با استفاده از آیات قرآنی ـ به ویژه آیات ۷۴ تا ۸۳ و ۸۸ سوره انعام ـ صورت گرفته است. (همو، ۱۳۸۲ (الف): ۳۷۲ ـ ۳۷۳)

دو. نقش مباحث «حکومتی»، سیاست، فرد و جامعه و نیز نقش‌های سیاسی مخالف و موافق در قرآن از جمله تفاسیر و برداشت‌های سیاسی او از قرآن است. (همو، ۱۳۶۳: ۴۵۴)

سه. تفسیر سیاسی و اجتماعی مفهوم عدالت از قرآن و اهتمام ورزیدن به آن نشان‌دهنده نوع جهت‌گیری در امور اجتماعی و سیاسی است. حکیمی شمار وسیعی از آیات و رویات مربوط به ضرورت اجرای عدالت در جامعه و وجوه متفاوت عدالت را به‌صورتی نظام‌مند طبقه‌بندی کرده است. (حکیمی، ۱۳۸۲ (الف): ۳۸۰ ـ ۳۷۸) در این رویکرد، تفسیر سیاسی قرآن با پشتوانه روایی قابل طرح است.

در سوی دیگر جریان روایت‌محور، رویکرد روایت‌بسنده «انجمن حجتیه» دیده می‌شود که به لحاظ کنارگذاری عقل (جناتی، ۱۳۸۶: ۱۲۴)، فهم، برداشت و تفسیر از قرآن را مختص امام معصوم دانسته و هرگونه تفسیر غیر از تفسیر معصومین را نفی می‌کنند. این رویکرد قائل به تعطیلی تفسیر یا تفسیر سیاسی از قرآن است. (به نقل از: روحانی، ۱۳۸۲: ۱۶۲؛ باقی، ۱۳۶۲: ۱۶۸؛ فراتی، ۱۳۹۵: ۱۹۷ ـ ۱۹۶) از نتایج و امتداد سیاسی رویکرد روایت‌بسنده انجمن حجتیه، از کار انداختن ظرفیت قرآن و بلااستفاده واقع شدن قرآن در سطح جامعه اسلامی و از کار افتادن جایگاه سیاست و نظم اسلامی و رفتن به سمت نوعی جدایی دین از سیاست و نوعی «غیریت‌سازی» با ویژگی‌های مکتبیِ انقلاب اسلامی و اندیشه سیاسی امام خمینی است. (شهرستانی، ۱۳۹۳: ۲۳، فراتی، ۱۳۹۵: ۲۰۰ ـ ۲۰۱)

۳. رویکرد جریان قرآن‌بسنده (قرآنیون) در تفسیر سیاسی قرآن

جریان‌های قرآن‌بسنده، برخلاف برخی جریان‌های روایت‌بسنده، در روند اجتماعی ـ سیاسی خود، حجیت و اعتبار احادیث و روایات را از کار انداختند. (طباطبایی فر، ۱۳۹۴: ۱۲۲ ـ ۱۲۱) زمینه‌های سیاسی ـ اجتماعی قرآن‌بسندگی در ایران معاصر، مشابه سایر سرزمین‌های اسلامی، دامنه وسیعی نداشته و به برکت زمینه‌های اصیل مذهبیِ جامعه از یک سو، و از سوی دیگر اقتدار مرجعیت رسمی و حاکمیت سیاسی فقیهان، فرصت توسعه نیافته است. رویکرد قرآن‌بسنده برای بازیابی هویت اصیل اسلامی و مقابله با انحطاط جامعه مسلمانان در برابر غرب، تمسک به قرآن را پیشنهاد می‌کرد و بسیاری از اندیشه‌های خرافی را ناشی از غفلت از قرآن و گرایش به اخبار و احادیث نادرست می‌دانست. (اسعدی، ۱۳۹۲: ۳۶۸ ـ ۳۷۳؛ روشن ضمیر، ۱۳۹۰: ۵۰ ـ ۱۳۶) ویژگی‌های مشترک جریان‌های قرآن‌بسنده عبارتند از:

یک. رکن اصلی ادعای آنان، قرآن‌بسندگی است و نسبت به احادیث و مباحث مرتبط با امامت بی‌اعتنا هستند. (جعفریان، ۱۳۹۰: ۱۰۱۵)

دو. فاصله گرفتن از مرجعیت رسمی دینی و روحانیت در بعد فکری و دین‌شناسانه در رویکرد افراطی جریان قرآن‌بسنده مشاهده می‌شود. (همان: ۱۰۱۲)

سه. از نگرش‌های جریان‌های تند سلفی در اهل سنت تأثیرپذیر هستند. (همان: ۱۰۱۳)

در مورد تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن، شخصیت‌های متقدم جریان قرآن‌بسنده، دارای تفسیر سیاسی از قرآن بوده‌اند. شخصیت‌هایی نظیر شریعت سنگلجی و خرقانی دارای تفاسیر سیاسی و ویژه‌ای از قرآن هستند. اما این مسئله در شخصیت‌های دوره معاصر، کم‌رنگ شده است، دلایل آن تا حدودی به این برمی‌گردد که بحث‌ها و دغدغه‌های شخصیت‌های متأخر، آمیخته به مباحث اعتقادی ضدشیعه شده و در موارد افراطی به تفکرات وهابی نزدیک شده است، به طوری که آنان بیشتر دغدغه بحث‌های اعتقادی داشتند تا دغدغه مباحث سیاسی (تفسیر سیاسی). در مباحث شخصیت‌های متأخرِ این گروه‌ها در زمینه‌های اعتقادی بحث‌های حساسیت برانگیز در زمینه امامت، توحید، شرک، شفاعت، در جامعه شیعه و به خصوص در حوزه‌های علمیه و علما بازخوردهای شدیدی بر علیه افکار و عقاید آنان پدید آورد. در سوی مقابلِ افراطیان جریان قرآن‌بسندگی، می‌توان به چهره معتدل محمد صادقی تهرانی اشاره نمود که دارای تفسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن می‌باشد. او استنباط‌های فقهی‌اش را منطبق با قرآن و سنت می‌داند. (همان: ۱۰۶۷) وی ویژگی‌های مشترک زیادی ـ نظیر خودبنیادی قرآن ـ با قرآن‌بسندگان دارد. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ (۱۳۶۳): ۳۹) در این تلقی، روایات ارزش ماهوی ندارند، بلکه صرفاً جهت تأیید منطوق و مفهوم آیه یا گسترش همان معنا استفاده می‌شوند. (همو، ۱۳۸۲: ۱۶؛ همو، ۱۳۹۰ الف: ۲۱۳ ـ ۲۱۲؛ همو، ۱۳۹۰ ب: ۶۱) به اعتقاد او صحت و سقم روایات، با معیار قرآن سنجیده می‌شود. قرآن «تبیان لکل شیء» است، به این معنا که هیچ امری از منظر شارع مقدس بی‌بیان رها نشده است. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ (۱۳۶۳): ۵۶) او تلاش دارد «نظریه سیاسی» و خیلی از مباحث اجتماعی ـ سیاسی و ... را از قرآن استخراج نماید. یکی از این مسائل، قالب و ساختار حکومت دینی است که چگونگی آن در برخی از آیات قرآن آمده است. مبنای صادقی تهرانی در پردازش تفسیر سیاسی آیات به این معناست که هر رویکردی که بر محور غیر قرآن مبتنی شود، ناصواب و غیرقابل‌قبول است. او مباحث مرتبط با ولایت‌فقیه را در درون ساختار پیشنهادی قرآن تعریف می‌کند. (فرآتی، ۱۳۹۵: ۳۸۶) او می‌کوشد تا «نظریه سیاسی اسلام» و به‌ویژه «تفسیر سیاسی آیات قرآنی» را متناسب با ویژگی‌های فکری و پیش‌فرض‌های پیش‌گفته، فقط و فقط براساس قرآن مبتنی سازد. تفسیر سیاسی مفهوم ولایت و نیز شورا از قرآن از نمونه‌های آن است. (صادقی تهرانی، بی‌تا: ۹۴ ـ ۹۳ و ۷۷ ـ ۷۶) در رویکرد قرآن‌بسندگان، شکل‌گیری تفسیر سیاسی قرآن با پردازش مفاهیم قرآنی صرف، مرتبط با سیاست و حکومت و بدون در نظر گرفتن سایر ادله نظیر سنت (ادله روایی) شکل می‌گیرد.

۴. رویکرد جریان‌های تجددگرا در تفسیر سیاسی قرآن

تفسیر و برداشت‌های جریان‌های تجددگرا از قرآن، متأثر از مؤلفه‌ها، مفاهیم و روش‌های برآمده از تجدد و مدرنیته می‌باشند. تجدد در وسیع‌ترین مفهوم، مقارن با ایده‌های نوآوری، پیشرفت و به‌روز بوده و نقطه مقابل ایده‌های قدمت و سنت قرار می‌گیرد. (مایکل پین، ۱۳۸۶: ۶۰۰) تجددگرایی (مدرنیسم)، در یک معنای عام، عبارت است از «فرهنگ و فلسفه تمدن مدرن»، یا به تعبیری می‌توان آن را «شیوه‌های زندگی، نگرش و گرایش انسان متجدد در عصر جدید» دانست. (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴) در واقع، عرصه و سیطره مدرنیته شامل حوزه‌های گوناگون فکری و عملی، از جمله، فلسفه، علم، معرفت‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، دین، اخلاق، سیاست، هنر، ادبیات و ... می‌شود. (راجر اسکراتن، ۱۳۷۸: ۹۳ ـ ۹۱؛ فیروزجایی۱۳۸۰: ۱۰۴ ـ ۱۰۳) مهم‌ترین عناصر و ویژگی‌های تأثیرگذار اندیشه مدرنیسم، عبارتند از: علم‌گرایی[1] (شاکرین، ۱۳۸۴: ۵۴، زرشناس، ۱۳۸۱: ۵۰ ـ ۴۹، سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۹۰)، عقل‌گرایی،[2] اصالت بخشیدن به «عقل خودبنیاد» (زرشناس، ۱۳۸۱: ۴۵ ـ ۴۴)، اعتقاد به اصل پیشرفت[3] (مددپور، ۱۳۷۵: ۲۶) و توسعه خطی، اعتقاد به اصالت[4] ماده و تقدم آن بر امور غیرمادی (مطهری، ۱۳۷۸: ۸۲) اعتقاد به لیبرالیسم، اومانیسم و اصالت دادن به خودبنیادی انسان (زرشناس، ۱۳۸۱: ۱۳۳؛ گلشنی، ۱۳۹۴: ۱۷)، فردگرایی، برابری‌گرایی،[5] سنت‌ستیزی، نسبیت‌گرایی و... در طیف سیاسی لیبرال دموکراسی، جداانگاری بین دین و سیاست (سکولاریسم)، دموکراسی‌گرایی، تأکید بر نقش حداقلی دولت، غلبه سرمایه‌داری مالی و صنعتی و نقش مالکیت خصوصی و ... پررنگ است. (زرشناس، ۱۳۸۱: ۱۳۳) در طیف سوسیالیستی، اعتقاد بر محدود کردن مالکیت خصوصی و تأکید بر نقش نظارتی دولت از مهمترین عناصر و ویژگی‌های دنیای مدرن محسوب می‌شوند که در جوامع اسلامی و به ویژه ایران، تأثیرات غیرقابل‌انکاری برجای گذاشتند. جریان‌های تجددگرا در جوامع اسلامی و به‌ویژه ایران، به‌شدت از مدرنیته و مفاهیم و ویژگی‌های آن تأثیر پذیرفتند. بنابر مطالب پیش‌گفته، تجددگرا، به کسانی گفته می‌شود که خواستار ایجاد تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی و سیاسی و نو کردن شیوه زندگی در جامعه هستند. (انوری، ۱۳۸۱: ۱۶۱۹) جریان‌های تجددگرا در ایران، از اصول، مبانی و روش‌های مدرنیته و دنیای مدرن (به ویژه دو الگوی لیبرالیستی و سوسیالیستی) تأثیر پذیرفته و الگوی فکری، عملی و رفتاری آنان تحت‌تأثیر پدیده مدرنیته و لوازم و پیامدهای آن قرار گرفت. برخی از روشنفکران دینی، برای آشتی دادن عدم مغایرت

1. Scientism.
2. Rationalism.
3. Progressivism.
4. Materialism.
5. Equalitarianism.

دین و آموزه‌های دینی و به‌ویژه قرآن با مدرنیته، به باز تعریف مفاهیم قرآنی و یا تطبیق‌دهی مفاهیم قرآنی برای سازگاری با مفاهیم مدرنیته کردند که می‌توان از آن، به تفسیر و برداشت‌های تجددگرا از قرآن نام برد که در قالب رویکرد کارکردگرا، علمی تجربی، هرمنوتیکی و تسبی‌انگار نمود پیدا کرد.

یک. رویکردهای تفسیر سیاسی کارکردگرایانه از قرآن

رهیافت کارکردگرایانه به دین و قرآن تلاش می‌کند تا با تمسک به آثار و کارکردهای فردی و اجتماعی دین و قرآن، به ایجاد تغییر در زندگی اجتماعی و سیاسی در جامعه بپردازد. این رویکردها بیشتر در دهه ۵۰ و در زمان غلبه گفتمان مارکسیستی اوج گرفته بودند. ویژگی‌های این‌گونه تفاسیر عبارتند از: یک. نگاه عمل‌گرایانه ابزاری و تک بعدی بر جنبه انقلابی و مبارزه‌ای قرآن؛ دو. نفی ابعاد نظری و فلسفی؛ سه. تأثیرپذیری شدید از برخی مباحث مرتبط با علوم اجتماعی و تأثیرپذیری از مبانی و مؤلفه‌های نظریاتی نظیر مارکسیسم و سوسیالیسم و مفاهیم انتزاع شده از این نظریات نظیر انقلاب، تکامل و ... . در یک دسته‌بندی می‌توان این رویکردها را به چند دسته تقسیم کرد:

الف) برداشت‌های سیاسی علی شریعتی از قرآن؛ این رویکرد به حلقه‌ای از جریان روشنفکری معاصر ناظر است که تحت‌تأثیر روش‌های ساختارشناسی و کارکردگرایی اجتماعی در تفسیر مفاهیم قرآنی، بیشتر به آراء علم جامعه‌شناسی متکی بوده و بر بعد جامعه‌شناختی قرآن تأکید داشته است. نماینده برجسته این حلقه، علی شریعتی است که در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ با سخنرانی و آثار متعددش این رویکرد را در نگرش‌ها و برداشت‌های قرآنی نشان داده است. (بروجردی، ۱۳۹۳: ۱۶۳) روش‌شناسی شریعتی در فهم دین و قرآن و به‌خصوص برداشت‌های قرآنی او، براساس مباحث سوسیالسیتی نظیر ابزار تولید و تحلیل طبقاتی ارائه شده است. (ر. ک: شریعتی، ۱۳۸۷: ۸۴ ـ ۵۲) تفسیر سیاسی شریعتی از مفاهیم قرآنی، تلاشی عملی در جهت مبارزه با وضع موجود با استفاده از مفاهیم ایدئولوژیک بود.

ب) برداشت‌های سیاسی جریان‌های التقاطی ـ افراطی گروهک‌های تروریستی سازمان مجاهدین و گروهک تروریستی فرقان؛ یکی دیگر از رویکردهای کارکردگر بود که در دهه ۱۳۵۰ شمسی از درون نهضت آزادی و با گرایش‌های متکی به رویکرد اجتماعی و دغدغه‌های انقلابی، نیروهای افراطی و جوانی ظاهر شدند که اصولاً گرایش‌های سیاسی انقلابی داشته و منتقد حرکت سیاسی کند رهبران این نهضت بودند. (جعفریان، ۱۳۹۰: ۴۹۱) آنها با الهام از برخی اندیشه‌های چپ‌گرایانه مارکسیست‌ها و تأکید بر ابعاد انقلابی و اجتماعی دین، تفسیری خاص از مفاهیمی چون جهاد، شهادت، مقاومت، انقلاب و نظام توحیدی عرضه کردند و بیش از آنکه به دورن مایه‌های اسلامی متکی باشند، بیانگر اندیشه‌های مارکسیستی و تئوری‌های علمی این مکتب بودند. به باور آنان مارکسیسم، علم انقلاب و مبارزه بود و

مذهب بدون آمیختگی با آموزه‌های آن، همچون جبر تاریخ و نبرد طبقاتی، نمی‌تواند مایه پیشرفت باشد. در این رویکرد، مفاهیم قرآنی و دینی که با اصول انقلابی آنان ناسازگار بود، نفی شده یا مسکوت می‌ماند. این رویکرد در قالب سازمان‌هایی چون مجاهدین خلق و گروه فرقان در ابعاد نظری و عملی دنبال شد. (خان‌محمدی، ۱۳۹۲: ۳۶۹ ـ ۳۶۸؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۹: ۳۲۸ ـ ۳۲۷) این نوع برداشت‌ها دارای آسیب التقاط و آلوده به تفسیر به رأی‌های ناصواب و رویگردانی از مرجعیت رسمی دینی بود. (جعفریان، ۱۳۹۰: ۵۰۸ ـ ۵۰۷؛ خان‌محمدی، ۱۳۹۲: ۳۷۵)

دو. جریان تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن متأثر از رویکرد علمی ـ تجربی

رویکرد تفسیر علمی قرآن، به جمعی از متفکران نوگرا تعلق دارد که تفسیر قرآن را بیشتر از منظر نتایج علوم تجربی و تأثیر پیش‌فرض‌های علمی، مورد بررسی قرار داده‌اند. (اسعدی، ۱۳۹۲: ۵۰۱) نماینده این رویکرد در ایران مهدی بازرگان است. چگونگی تفسیر و برداشت‌های سیاسی بازرگان از قرآن به دو دوره فکری متفاوت تقسیم می‌شود. دیدگاه بازرگان در نحوه دخالت دین در عرصه‌های سیاسی ـ اجتماعی، از رویکرد حداکثری به دین در دیدگاه متقدم (قبل از انقلاب) به قامتی حداقلی در دیدگاه متأخر (بعد از انقلاب اسلامی) می‌رسد. او در مکتوبات اولیه، انتظارات فراوانی از دین مطالبه می‌کرد و قلمرو وسیعی برای آن باور داشت. وی ایجاد نظم اجتماعی ـ سیاسی، آزادی‌خواهی، دموکراسی، اخلاق اجتماعی و آبادکردن دنیای آدمیان را هدف بعثت انبیا می‌دانست. دیدگاه اولیه او در سیاسی نشان دادن دین اسلام نقش بسزایی داشت. (جعفریان، ۱۳۹۰: ۵۰۶) به‌عنوان مثال در دوره فکری اولیه، بازرگان «مسئله دین و حکومت» را مطرح کرده و معتقد بود که اسلام مسئله حکومت را در کنار عقیده و ایمان و توأم با امامت افتتاح و اجرا کرد. (بازرگان، ۱۳۸۵: ۵۰۵ ـ ۵۰۳)

اما در دیدگاه متأخر (بعد از انقلاب) مهدی بازرگان، به‌صراحت از نگرش اولیه خودش عدول کرد و حکومت و مدیریت جامعه را از دایره اهداف و وظایف بعثت انبیا و رسالت پیامبران و قرآن خارج ساخت. او به‌صراحت بر تفکیک دین و سیاست تأکید کرد. او با استدلال به آیات قرآنی، به جدایی دین از سیاست صحه می‌گذارد و هدف بعثت انبیا را فقط منحصر در خدا و آخرت می‌کند. (بازرگان، ۱۳۷۴: ۵۲)

هر دو دیدگاه متقدم و متأخر بازرگان با استدلال به قرآن صورت گرفته است. دوره متقدم فکری بازرگان متأثر از برخی از پیش‌فرض‌های کارکردگرایانه نظیر «عمل‌گرایی»، «تاریخ‌گرایی» و «تجربه‌گرایی» است که به دین قامتی حداکثری داده و کاملاً بر ابعاد سیاسی قرآن تأکید می‌کرد اما در دوره متأخر از اندیشه خود کم‌کم به رویکردی معرفت‌شناسانه و حداقلی از دین و انکار ابعاد سیاسی دین می‌رسد. می‌توان حدس زد که دلیل این تغییر، در روند «تجربه‌گرایی» و تنزل از آن به سمت تأثیرپذیری

از معرفت‌شناسی غربی و تحت‌تأثیر گفتمان پایان ایدئولوژی است. تفسیر سیاسی قرآن در این نوع گرایش علمی، در دوره متقدم دارای رویکردی حداکثری و در دوره متأخر و بعد از انقلاب رویکردی کاملاً حداقلی به خود می‌گیرد.

سه. رویکرد متأثر از نگاه هرمنوتیکی و تفسیر سیاسی قرآن

نماینده رویکرد متأثر از نگاه هرمنوتیکی به متون دینی، محمد مجتهد شبستری است. او نگاهی کاملاً انسانی و زمینی درباره متون دینی دارد. تلقی و برداشت‌های دینی و قرآنی او اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و سایر زمینه‌ها، تحت‌تأثیر رویکرد «هرمنوتیک فلسفی» است (مجتهد شبستری، ۱۳۸۳: ۱۷) که در موضوعات اسلامی و به‌ویژه تفسیر قرآن ظاهر شده است. در رویکرد او، مبانی و پیش‌فرض‌های سنتی فهم قرآن و منابع نقلی دین نقد می‌شود. (واعظی، ۱۳۹۲: ۵۵۴) در این رویکرد، قرائتی انسانی و اومانیستی از فهم دین ارائه شده و هیچ تفسیری از سخن خداوند، نهایی نیست چراکه همه تفسیرها به‌صورت گزاره‌های انتزاعی و ذهنی است و هر گزاره‌ای از محدودیت‌های ذهنی انسان نشأت گرفته (مجتهد شبستری، ۱۳۸۳: ۴) و هیچ گزاره‌ای نمی‌تواند مساوی با تمام سخن خداوند باشد. (همان: ۱۴۴)

در تفسیر سیاسی شبستری از قرآن، مفاهیم جدید و برساخته دنیای مدرن نظیر حقوق بشر، آزادی و... در قرآن نیامده و مسلمانان باید این مفاهیم را از دنیای مدرن بپذیرند و مبنای نظام‌های اجتماعی خود قرار دهند. (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹: ۱۵۱) استوار ساختن نظام اجتماعی بر پایه حقوق بشر، تنها راه تأمین عدالت، خدمت و محبت به انسان‌ها و بهترین روش تسهیل ایمان‌ورزی و تخلق افراد جامعه به اخلاق انسانی است. (همان: ۱۲۳) از نظر شبستری، عصر (زمانه) و جامعه ما نباید با «عقلانیت» زمانه، ناسازگاری داشته باشد. همان‌طور که پیامبرﷺ با توجه به عقلانیت زمانه خودش دعوت می‌کرد. شبستری عقلانیت زمانه را با توجه به مدرنیته به تصویر می‌کشد و قبول می‌کند. (همان: ۱۵۰)

در امتداد نهایی این روش، تفسیر سیاسی قرآن، با شرایط زمانی و مکانی و فهم جدید مبتنی بر هرمنوتیک سنجیده می‌شود که باید با دستاوردهای دنیای مدرن ازجمله حقوق بشر و آزادی مطابقت داشته باشد. نقد عمده روش شبستری این است که او درباره لیبرالیزم، به نوعی از «ذات‌گرایی» متمایل شده است، در حالی که لیبرالیزم در شرایط، ویژگی‌ها و ساختارهای خاص، قابل تحقق است و در هر شرایطی قابل تحقق نیست و این‌گونه استدلال کردن، بها دادن بیش از اندازه به آموزه‌های لیبرالیزم است.

چهار. نسبیت فهم (معرفت دینی) و تأثیر آن بر تفسیر سیاسی قرآن

نماینده رسمی این رویکرد در ایران، عبدالکریم سروش و اندیشه‌های اوست. (خسروپناه، ۱۳۸۹ الف: ۵۰۹ ـ ۴۹۸) ساختار قرائت جدید از دین، با تفکیک «فهم دین» از خود «دین» و بشری دانستن معرفت،

پروژه «نوسازی دینی» را تبدیل به «نوسازی فهم دین» می‌کند که متغیر است. (سروش، ۱۳۷۵: ۵۰۳) قرائت نسبی‌گرا برداشتی حداقلی از دین و اجرای «کوچک‌سازی دین» را مدنظر دارد و نقش و اقتدار فقه را کاهش می‌دهد. (سروش، ۱۳۷۸: ۴۷) در قرائت جدید، معارف بشری (علوم انسانی و ...) مستقل و خارج از دین بوده و دارای مشروعیت هستند و نیازی به اثبات دینی ندارند. مقولات متنوعی چون آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، عقل، عدالت و ... برون‌دینی هستند و این دین است که باید خودش را متناسب با آنها کند. (سروش، ۱۳۷۸: ۶)

بنابراین در رویکرد نسبی‌گرا، به لحاظ رویکرد حداقلی به دین و به‌خصوص به قرآن، وجوه سیاسی و اجتماعی دین و قرآن ضعیف و لاغر شده و با مقولات برون‌دینی نظیر آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، عدالت (درمعنای مدرن) و نیز با لحاظ شرایط سیاسی و اجتماعی و تحول فهم دینی، سنجیده می‌شود.

آسیب اساسی و عمده قرائت نسبی‌انگار که نشئت گرفته از فلسفه تحلیلی دنیای مدرن است، این است که دین، قرآن و مفاهیم قرآنی را به گزاره‌ها و تحلیل‌های صرفاً ذهنی تقلیل می‌دهد. (همان: ۱۵۵) که بر محوریت و خودبنیادی انسان معاصر صورت می‌گیرد و اصلی‌ترین نقد و آسیب و نقطه مرکزی ضعف دیدگاه سروش، محسوب می‌شود. (عبدالکریمی، ۱۳۹۵: ۵۴) در صورتی که دین و پدیده‌های دینی، از امور وجودی بود و صرف تقلیل دادن به گزاره‌های ذهنی، موجب حل موضوعات و مسائل دینی نمی‌شود. نگاه سوبژکتیو و انتزاعی سروش به دین و متأثر از فلسفه تحلیلی، می‌خواهد همه چیز عالم را با تحلیل‌های ذهنی و مفهومی حل کند، درحالی‌که تفکر مفهومی از قابلیت به انحصار درآوردن و ذهنی کردن مفاهیم دینی برخودار نیست چراکه نسبت به آن آگاهی ندارد.

نتیجه

این پژوهش، تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن کریم در جریان انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار داده است جریان‌های سیاسی دخیل در انقلاب اسلامی، به قرآن به‌عنوان یک متن «تفسیرپذیر» که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای اساسی جامعه و سیاست و رشددهنده و تعالی‌بخش جنبه‌های مادی و معنوی انسان و ترسیم‌کننده حیات طیبه و زندگی درست باشد، نگاه کرده‌اند. جریان‌ها و گروه‌هایی که در جریان انقلاب اسلامی و پیش از انقلاب، به تفاسیر و برداشت‌هایی از قرآن دست زده‌اند، رویکردها و زمینه‌های متفاوتی داشته‌اند و از کنش‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مختلفی نشئت گرفته بودند. این جریانها همگی تلاش داشته‌اند تا براساس نوع فکر، اندیشه و رفتار خود، از طریق متون مقدس و به‌خصوص قرآن، مشروعیت بخشند. هرچند نمی‌توان علایق، سلیقه‌ها و همه روش‌های به کار برده شده را متعلق به اسلام و قرآن دانست اما می‌توان آسیب‌ها و موانع موجود در نوع تلقی برخی از این جریان‌ها

را روشن ساخت. رویه‌های قرائت و نحوه برداشت و تفسیر سیاسی آنان، جایگاه متن، حد تفسیری، امکان یا عدم امکان تفسیر یا قرائت متن و زمینه آن، نقش عقل و نقل، الزام نص صریح، نقش دانش‌های بشری در تفسیر و ... ازجمله عواملی هستند که بیانگر تعهدات مختلف و متفاوت نسبت به استخراج تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن بودند. البته که تا رسیدن به تفاسیر و تحلیل‌هایی روشمند و اصیل که خاصیت ناب بودن و در کنار آن، خاصیت جامعیت ـ به‌نحوی‌که جهت‌گیری‌های عرصه‌های نظری، رفتاری و کاربردی را در علوم انسانی تغییر دهد ـ راه دراز و دشواری در پیش است. بنابر مطالب پیش‌گفته یافته‌های تحقیق عبارتند از:

یک. درحالی‌که ظرفیت ذاتی تولید نظریه سیاسی در دل مباحث اسلامی و به‌ویژه قرآن وجود دارد، تفسیر سیاسی ـ اجتماعی به‌صورتی مستقل و فارغ از تکانه‌های تجدد و رویکردهای آن، پدید نیامد. موتور محرک تفسیر سیاسی اجتماعی از قرآن، همواره در نسبت‌سنجی وضعیت موجود جهان اسلام و تحت‌تأثیر پدیده تجدد رخ داد؛ علت آن نیز مسئله‌مند شدن اندیشمندان اسلامی در برابر شبهات و هجوم گسترده و مداوم بحث‌هایی بود که از دل تمدن مدرن، سیاست و فرهنگ اسلام را نشانه رفته بود.

دو. در بعد از انقلاب، تلاش و کوشش جهت «بازسازی» فکر دینی و ایده عظیمِ بازگشت به قرآن و به‌کارگیری عقل و استفاده در حوزه دینی و ترویج عقل‌گرایی در راستای پالایش دینی و بازسازی اندیشه اسلامی تقویت شد. به نحوی که در مطالعات دینی، به کارگیری روش‌ها و رویکردهای جدید مورد توجه قرار گرفته است.

سه. رشد رویکردهای اصلاح دینی در قالب و محیط‌های غیرحوزوی و حاشیه‌ای و رویگردانی از محیط اصیل دینی موجب شده تا امکان نقد و بررسی و تعدیل نظریات از منظرهای دینی صحیح و اصیل فراهم نشود و علاوه‌بر آن، این بحث‌ها به لحاظ بار سیاسی ـ اجتماعی خاص، منجر به مرزبندی میان روشنفکران مدعی اصلاح دینی با رویکردهای دینی اصیل شود.

سه. در بعد از انقلاب اسلامی، در کنار مباحث انتزاعی، تلاش شده تا در مراکز علمی ـ پژوهشی، رویکردهای عینی و اجتماعی نسبت به مباحث دینی و قرآن تقویت شوند.

برای تحقیقات و پژوهش‌های آینده پیشنهاداتی ارائه می‌شود که عبارتند از: یک. بررسی تفسیر سیاسی جریان اجتهادی ـ اصولی از قرآن (به‌عنوان پژوهشی مجزا و با ارزیابی شخصیت‌های بیشتر)؛ دو. بررسی تفسیر سیاسی قرآن در رویکردهای نقل‌گرا یا اخباری‌گری نوین؛ سه. آسیب‌شناسی رویکردهای هرمنوتیکی، تاریخ‌گرایانه، زبان‌شناسانه و گفتمانی و بررسی آسیب‌ها و چالش‌های این رویکردها؛ چهار. توجه به پژوهش‌های «مقایسه‌ای» در زمینه تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن کریم در جهان اسلام.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. ابوالحسن، علی ندوی، ۱۳۸۰، ***تفسیر سیاسی اسلام در آینه نوشته‌های بعضی از نویسندگان معاصر***، ترجمه عبدالقادر قادری، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. ابوالحمد، عبدالحمید، بی‌تا، ***مبانی سیاست***، ج ۱، تهران، انتشارات توس.

۳. اسعدی، محمد و همکاران، ۱۳۹۲، ***آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری***، ج ۲، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

٤. اسکراتن، راجر و ملکم برادبری، ۱۳۷۸، ***مدرنیته و مدرنیسم، ریشه‌شناسی و مشخصه‌های نحوی***، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، نقش جهان.

۵. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۳، ***شرح چهل حدیث***، تهران، مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی‌قدس‌سره، چاپ پنجم.

٦. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۷، ***صحیفه امام***، جلدهای (۲۲ ـ ۱)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌قدس‌سره.

۷. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۵، ***تنقیح الأصول***، ج ۳، تنظیم حسین تقوی اشتهاردی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌قدس‌سره، چ ۳.

۸. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۹٤، ***ولایت فقیه***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌قدس‌سره.

۹. امام خمینی، سید روح‌الله، ***آداب الصلوة (آداب نماز)***، بی‌تا، بی‌جا.

۱۰. امام، خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷٦، ***تقریرات فلسفه***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌قدس‌سره.

۱۱. بازرگان، مهدی، ۱۳۷٤، «آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء»، ***مجله کیان***، ش ۲۸، ص ٦۱ ـ ٤٦.

۱۲. بازرگان، مهدی، ۱۳۸۵، ***بعثت و ایدئولوژی، بعثت و تکامل ۱***، مجموعه آثار، ج ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۱۳. باقی، عمادالدین، ۱۳٦۲، ***در شناخت حزب قاعدین زمان (موسوم به انجمن حجتیه)***، تهران، انتشارات نشر دانش اسلامی.

۱٤. بروجردی، مهرزاد، ۱۳۹۳، ***روشنفکران ایرانی و غرب***، ترجمه جمشید شیرازی، تهران، نشر فرزان‌روز، چ ٦.

۱۵. پارسانیا، حمید، ۱۳۸۳، «روش‌شناسی و اندیشه سیاسی»، ***فصلنامه علوم سیاسی***، ش ۲۸، ص ۱٦ ـ ۷.

۱۶. پاکروان، مهین، ۱۳۹۸، «مؤلفه‌های تفسیر سیاسی قرآن»، ***مجله معرفت***، آبان‌ماه، ش ۲۶۳، علمی ـ ترویجی، ص ۱۰۱ ـ ۸۷.

۱۷. پزشگی، محمد، ۱۳۹٤، «تفسیر سیاسی قرآن کریم: ملاحظات روش‌شناختی»، ***مجله سپهر سیاست***، بهار، ش ۳، ص ۲۸ ـ ۷.

۱۸. پینف، مایکل، ۱۳۸٦، ***فرهنگ اندیشه انتقادی از روشنگری تا پسامدرنیته***، ترجمه پیام یزدان‌جو، تهران، نشر مرکز.

۱۹. تقوی، محمدعلی و دیگران، ۱۳۹۳، «رویکردهای سیاسی مکتب تفکیک، از تأیید نابسامانی و عزلت‌گزینی تا مشارکت در مبارزات انقلاب اسلامی»، ***فصلنامه علمی ـ پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی***، سال هشتم، ش ۲٦، بهار، ص ۱۱۰ ـ ۹۱.

۲۰. جعفریان، رسول، ۱۳۹۰، ***جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران***، تهران، نشر علم.

۲۱. جلیلی سنزیقی، سید هدایت و هاجرخاتون قدمی جویباری، ۱۳۹۵ «نقد و ارزیابی تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر»، ***مجله نقد کتاب قرآن و علوم دینی***، تابستان، ش ٦، ص ٤۸ ـ ۲۵.

۲۲. جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۹، ***سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام***، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۲۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸٤، ***تسنیم***، ج ۱، قم، اسرا.

۲٤. حبیبیان، اباذر، ۱۳۹۰، ***مفسر مصلح (نگاهی به روش تفسیری شهید مطهری)***، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چ ۱.

۲۵. حسنی، ابوالحسن، ۱۳۹۲، ***مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن***، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲٦. حکیمی، محمدرضا، ۱۳٦۳، ***الحیاة***، ترجمه احمد آرام، ج ۱، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۷. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۲ الف، ***پیام جاودانه***، قم، انتشارات دلیل ما.

۲۸. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۲ ب، ***مکتب تفکیک***، قم، انتشارات دلیل ما.

۲۹. خان‌محمدی، یوسف، ۱۳۹۲، ***تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر***، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۳۰. خان‌محمدی، یوسف، ۱۳۹٦، «روش‌شناسی تفسیر سیاسی قرآن»، ***فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی***، دوره ۱۵، ش ۵۷، بهار، ص ۱۱۲ ـ ۹۵.

۳۱. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹ الف، ***آسیب‌شناسی دین‌پژوهی معاصر (تحلیل دین‌شناسی شریعتی، بازرگان و سروش)***، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳۲. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹ ب، ***جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها: تبیین و تحلیل جریان‌های فرهنگی معارض با فرهنگ ناب محمدی*** صلی‌الله‌علیه‌وآله ***و علوی***، قم، مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.

۳۳. دال، رابرت، ۱۳٦٤، ***تجزیه و تحلیل جدید سیاست***، ترجمه حسین ظفریان، تهران، نشر مترجم.

۳٤. دانشیار، علیرضا، ۱۳۹۷، ***تفسیر سیاسی مفاهیم قرآنی از دیدگاه امام خمینی***، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله.

۳۵. دولت‌آبادی، معصومه، ۱۳۸۸، «گرایش تفسیر سیاسی قرآن»، ***مجله قرآن و علم***، پاییز و زمستان، ش ۵، ص ٦۲ ـ ۳۷.

۳٦. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۹٦، ***منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن***، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله.

۳۷. روحانی، حمید، ۱۳۸۲، ***نهضت امام خمینی***، ج ۳، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.

۳۸. روشن ضمیر، محمدابراهیم، ۱۳۹۰، ***جریان‌شناسی قرآن‌بسندگی (پژوهشی در پیشینه، تحولات و دیدگاه‌های قرآنیون)***، تهران، انتشارات علمی، چ ۱.

۳۹. زرشناس، شهریار، ۱۳۸۱، ***مبانی نظری غرب مدرن***، تهران، کتاب صبح.

٤۰. سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۸، ***بسط تجربه نبوی***، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.

٤۱. سیف‌زاده، حسین، ۱۳۷۹، ***مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست***، تهران، نشر دادگستر.

٤۲. شاکر، محمدکاظم ، ۱۳۸۹ (۱٤۳۱ ق)، ***مبانی و روش‌های تفسیری***، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

٤۳. شاکر، محمدکاظم، ۱۳۸۲، ***مبانی و روش‌های تفسیری***، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.

٤٤. شاکرین، حمیدرضا، ۱۳۸٤، ***سکولاریسم***، تهران، کانون اندیشه جوان.

٤۵. شریعتی، علی، ۱۳۸۷، اس***لام‌شناسی ۳ ـ ۱ (درس‌های ارشاد)***، مجموعه آثار، ج ۱۸ ـ ۱٦، تهران، الهام.

٤٦. شهرستانی، حسین، ۱۳۹۳، ***فرقه در برابر مکتب***، از کتاب دیانت عافیت: مجموعه گفتارها و مقالاتی در باب تاریخ، عقاید و زمینه اجتماعی انجمن حجتیه، تهران، مرکز پژوهشی‌آموزشی کوثر.

٤۷. صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۸۲ ، ***فقه گویا (بررسی فقه بر مبنای قرآن و سنت)***، تهران، امید فردا.

٤۸. صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۹۰ الف، ***مفت‌خواران از دیدگاه کتاب و سنت***، قم، انتشارات شکرانه.

٤٩. صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۹۰ ب، ***نگرشی جدید بر حقوق بانوان در اسلام***، قم، انتشارات شکرانه.

٥٠. صادقی تهرانی، محمد، ١٤٠٦ (١٣٦٣)، ***الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه***، ج ١، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی.

٥١. صادقی تهرانی، محمد، بی‌تا، حک***ومت صالحان یا ولایت فقیهان (درس‌هایی از فقه سیاسی اسلام)***، قم، مؤسسه فرهنگی جامعه علوم القرآن،

٥٢. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۱، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم، اسماعیلیان، چ ۲.

٥٣. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۲، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، تهران، دار الکتب اسلامیه.

٥٤. طباطبایی، سید محمدحسین، ١٣٧٤، ***تفسیر المیزان***، ج ٢٠ ـ ١، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، چ ٥.

٥٥. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۵، ***اصول فلسفه و روش رئالیسم***، ج ۲، (مقدمه و پاورقی شهید مرتضی مطهری)، تهران، صدرا، چ ١٤.

٥٦. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۷، ***روابط اجتماعی در اسلام*** (به ضمیمه چند رساله دیگر)، قم، بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

٥٧. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۸، ***بررسی‌های اسلامی***، قم، بوستان کتاب.

٥٨. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، ۲۰ جلد، لبنان (بیروت)، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چ ۲.

٥٩. طباطبایی‌فر، محسن، ١٣٩٤، ***جریان‌های فکری در حوزه علمیه قم***، تهران، نشر نی.

٦٠. عابدی، محمد، ۱۳۹۹، «امکان تفسیر سیاسی قرآن کریم»، ***مجله علمی ـ پژوهشی سیاست متعالیه***، ش ۳۱، زمستان، ص ٢٦ ـ ٨.

٦١. عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۳، ***بنیادهای علم سیاست***، تهران، نشر نی، چ ۱.

٦٢. عبدالکریمی، بیژن، ۱۳۹۵، «تفکر معنوی و سوبژکتیویسم متافیزکی»، ***دو فصلنامه پژوهش‌های عقلی نوین***، سال اول، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۷۹ ـ ٥١.

٦٣. عضدانلو، حمید، ۱۳۸۹، ***سیاست و بنیان‌های فلسفی اندیشه سیاسی***، تهران، نشر نی.

٦٤. علوی‌مهر، حسین، ۱۳۸۱، ***روش‌ها و گرایش‌های تفسیری***، تهران، انتشارات اسوه.

٦٥. عنایت، حمید، ۱۳۹۲، ***اندیشه سیاسی اسلام معاصر***، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، انتشارات خوارزمی.

٦٦. عنایت، حمید، ۱۳۹۲، ***اندیشه سیاسی اسلام معاصر***، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، امیرکبیر.

٦٧. فرآتی، عبدالوهاب، ۱۳۹۵، ***گونه‌شناسی فکری سیاسی حوزه علمیه قم***، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

٦٨. فیروزجایی، یارعلی کرد، ۱۳۸۰، «تجددگرایی»، ***فصلنامه معرفت***، ش ۵۱، ص ۱۰۵ ـ ۱۰۳.

٦٩. کاظمی، عباس، ۱۳۸۷، ***جامعه‌شناسی روشنفکری دینی در ایران***، تهران، انتشارات طرح نو.

۷۰. کلانتری، ابراهیم و علی‌رضا دانشیار، ۱۳۹۳، «بررسی تفسیر سیاسی واژه‌ها و مفاهیم قرآنی در انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی»، ***مجله پژوهش‌های انقلاب اسلامی***، تابستان، ش ۹، ص ۸۲ ـ ۵۹.

۷۱. گلشنی، مهدی، ۱۳۹٤، ***از علم سکولار تا علم دینی***، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۷۲. گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۷، ***پیامدهای مدرنیت***، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.

۷۳. مددپور، محمد، ۱۳۷۵، ***مبانی اندیشه‌های اجتماعی غرب، از رنسانس تا منتسکیو***، تهران، انتشارات تربیت.

۷٤. مسعودنیا، حسین و حسین روحانی، ۱۳۹۱، «بررسی مقایسه‌ای دو گفتمان ایدئولوژیک و هرمنوتیک نواندیشی دینی»، ***مجله دانش سیاسی و بین‌المللی***، سال اول، ش ۱، بهار، ص ۳۲ ـ ۱۵.

۷۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، ***مدیریت و رهبری در اسلام (امدادهای غیبی در زندگی بشر)***، مجموعه آثار، ج ۳، تهران، صدرا.

۷٦. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، ***فلسفه تاریخ***، مجموعه آثار، ج ۱، تهران، صدرا.

۷۷. مظفری، آیت، ۱۳۸۷، ***مناسبات روحانیت و دولت در ایران معاصر (بارویکرد جامعه‌شناسی سیاسی)***، تهران، دفتر نشر معارف.

۷۸. معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۹، ***تفسیر و مفسران***، ج ۱، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید.

۷۹. معین، محمد، ۱۳۸٦، فرهنگ فارسی، تهران، ساحل.

۸۰. مهاجرنیا، محسن، ۱۳۹۵، ***جریان‌شناسی تفکر سیاسی در جهان اسلام***، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۸۱. مؤدب، رضا، ۱۳۸۵، ***روش‌های تفسیر قرآن***، ویرایش دوم، قم، انتشارات دانشگاه قم.

۸۲. میرزاخانی، حسین، ۱۳۹٤، ***تفسیر سیاسی قرآن (فقه سیاسی)***، تهران، سخنوران.

۸۳. نقوی، محمدباقر گرایش، ۱۳۹٤، ***تفسیر سیاسی در آثار امام خمینی***ﷺ، پایان‌نامه، قم، دانشگاه باقرالعلومﷺ، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

۸٤. یزدانی‌مقدم، احمدرضا، ۱۳۸۹، ***فرهنگ در اندیشه علامه طباطبایی***، مجموعه مقالات سیاست متعالیه، ج ۲، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ ۱.

۸۵. یزدانی‌مقدم، احمدرضا، ۱۳۹۰، ***فلسفه سیاسی علامه طباطبایی***، از کتاب عبدالحسین خسروپناه، علامه طباطبایی، فیلسوف علوم انسانی ـ اسلامی، ج ۲ ـ ۱، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱.

86. Tully, James, 1988, ***Meaning and Context: Quentin Skinner and His Critics***, NewJersey, Princeton University Press.